

ویتنام در مسیر حرکت ببرها*

مؤلف: جیمز ریدل

مترجم: حمیدرضا اشرف‌زاده

۱- مقدمه

است که الگوی تایوان به خوبی عمل کرده است. طبیعی است که ویتنام نیز باید دریافتن استراتژی رشد، به همسایگان موفق خود نظر داشته باشد. چرا آنچه در سایر کشورهای آسیای جنوب شرقی به خوبی عمل کرده است در ویتنام عمل نکند؟

این سؤال سه مجموعه از موضوعات را در برمی‌گیرد: نخست، آنکه آیا برای استراتژی رشد مبتنی بر توسعه صادرات، پیش شرطهایی وجود دارد؟ و اگر پاسخ مثبت است آیا ویتنام پاسخگوی این پیش شرطها می‌باشد؟ دوم آنکه آیا یک مجموعه مشترک از سیاستهای لازم برای

آیا ویتنام باید تایوان را به عنوان الگویی جدید برگزیند؟ شواهدی در دست است که نشان می‌دهد این کشور همین کار را کرده و دلیل موجهی هم داشته است: تایوان به طور مستقل تنها کشوری است که موفقترین نظام اقتصادی در حال توسعه دنیا را دارد. به علاوه تجربه سایر کشورهای واقع در آن منطقه، که با تقلید از استراتژی صنعتی شدن مبتنی بر توسعه صادرات - که در دهه ۱۹۶۰ کشور تایوان پیش از آن بود - توانسته‌اند رشد سریع و پایداری را در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ به دست آورند؛ نشان‌دهنده آن

* مقاله مذکور برگردان فارسی مقالهای است به زبان انگلیسی تحت عنوان Vietnam: On the Trail of the Tigers که به وسیله

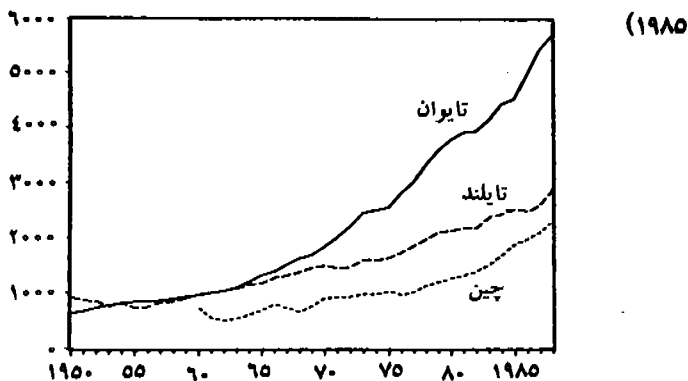
جیمز ریدل نگاشته شده و در مجله The World Economy (ژوئیه ۱۹۹۳) در صفحات ۴۰-۴۱ به چاپ رسیده است.

بکارگیری این استراتژی موجود است؟ و اگر چنین است آیا ویتنام قادر به اجرای آن می‌باشد؟ سوم اینکه به فرض که ویتنام پاسخگوی پیش شرطهای لازم باشد و سیاستهای لازم نیز اتخاذ گردد، آیا شرایط خارجی به نحوی هست که آن کشور بتواند با تعقیب استراتژی توسعه صادرات به موفقیت دست یابد؟

برای بررسی این موضوعات از روش تحلیل مقایسه‌ای استفاده می‌شود. کشورهای که برای مقایسه انتخاب شده‌اند عبارتند از: سه کشور از کشورهای "ببرهای" آسیا، یعنی تایوان، تایلند و چین. تایوان به این دلیل انتخاب شده است که مدل اصلی است و بیشترین پیشرفت را با اتکاء به آن استراتژی به دست آورده است. تایلند، که در دهه ۱۹۷۰ از استراتژی جایگزینی واردات به استراتژی رشد مبتنی بر توسعه صادرات متمایل شد، به این دلیل انتخاب شده است که از نظر اندازه، مشابه ویتنام بوده و همانند این کشور، اقتصادی مبتنی بر تولید برنج دارد (یا حداقل در گذشته داشته است). کشور چین که اخیراً به جرگه کشورهای متمایل به استراتژی رشد مبتنی بر توسعه صادرات پیوسته به آن دلیل انتخاب شده که نظیر ویتنام، یک کشور سوسیالیستی است که تلاش می‌کند ضمن حفظ تمام قدرت سیاسی در دست حزب کمونیست، یک اقتصاد مبتنی بر بازار به وجود آورد.

قبل از ادامه بیشتر بحث، بهتر است بینیم این مسیر به کجا منتهی می‌شود. شکل (۱) رشد تولید ناخالص داخلی سرانه واقعی سه کشور "مقایسه" را از سال ۱۹۵۰ تا سال ۱۹۸۸، بر مبنای ارقام مندرج در [Summers and Heston (1991)] که بر اساس برابری قدرت خرید تنظیم شده است، نشان می‌دهد. در تایوان استراتژی صنعتی شدن مبتنی بر توسعه صادرات در حدود سال ۱۹۶۰ انتخاب شد و از آن زمان به بعد تولید ناخالص داخلی سرانه، بانرخ رشد سالانه ۷ درصد افزایش یافته است. تایلند در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ رشد تولید ناخالص داخلی سرانه مستمری را تحت استراتژی جایگزینی واردات - که به تدریج خود را با آن وفق داده و در آن تجدید نظرهایی هم می‌نمود تا افزایش صادرات تشویق شود - تجربه نمود. تایلند به طور کامل استراتژی مشابه استراتژی توسعه صادرات تایوان را تا اواسط دهه ۱۹۸۰ - که از آن به بعد تولید ناخالص داخلی آن کشور با نرخ رشد فوق‌العاده ۱۲ درصد در سال همراه بود - نپذیرفته بود. به علاوه شکل (۱) رونق گسترده اقتصاد چین را که بعد از اعلام سیاست درهای باز در سال ۱۹۷۸ صورت گرفت نشان می‌دهد. موضوع شگفت‌انگیزتر، رشد مناطقی مثل گوانگدونگ، (استانی با ۶۵ میلیون نفر سکنه) است که از اواسط دهه ۱۹۸۰ نرخ رشد تولید صنعتی بیش از ۲۰ درصد در سال

شکل (۱) - تولید ناخالص داخلی واقعی در تایوان، تایلند و چین تعدیل شده با برابری قدرت خرید (سال پایه



Robert Summers and Alan Heston, Penn World Tables.

مأخذ

سال ۱۹۶۰ یا چین در سال ۱۹۷۵ نیست.

را به ثبت رسانده است.

در سال ۱۹۹۰ درآمد سرانه در ویتنام ۱۵۰ دلار (امریکا) بود که البته با تعدیل براساس برابری قدرت خرید، واضح است که درآمد سرانه باید تا حد قابل ملاحظه‌ای بیش از این میزان باشد؛ زیرا با درآمدی چنین ناچیز در آمریکا امکان ادامه حیات نیست. ظاهراً منطقی است برحسب برابری قدرت خرید، فرض شود که درآمد سرانه در ویتنام با درآمد سرانه بنگلادش که در سال ۱۹۹۰ مقدار رسمی آن (۱۷۰ دلار) نزدیک به رقم درآمد سرانه در ویتنام بوده است، چندان تفاوتی ندارد. آمارهای "سامرز" و "هستون" نشان می‌دهند که درآمد سرانه در بنگلادش برحسب برابری قدرت خرید حدود ۷۰۰ دلار است. اگر ویتنام نیز حدوداً در همین سطح قرار داشته باشد، در این صورت درآمد سرانه این کشور چندان پایین‌تر از درآمد سرانه تایوان یا تایلند در

۲- پیش شرطها

این مقاله مدعی نیست که مجموعه‌ای از پیش شرطهای قطعی، برای رشد سریع وجود دارد. پیش شرط به‌طور ساده این است که اگر شرایط حاکم در ویتنام به‌طور فاحشی نامساعدتر از شرایط حاکم بر تایوان و پیروان این کشور، هنگام اتخاذ استراتژی رشد توأم با برون‌گرایی نباشد، در این صورت ویتنام نیز می‌تواند همین مسیر را بپیماید.

الف- منابع انسانی

بزرگترین ثروت ویتنام، مردم آن می‌باشد. با ۶۶ میلیون نفر جمعیت، دوازدهمین کشور بزرگ دنیا از این حیث ویتنام در مسیر حرکت بیرها ۷۳

ویتنام	چین	تایلند	تایوان	
جدیدترین داده‌ها		۲۰-۱۵ سال پیش	۳۰-۲۵ سال پیش	
۶۶	۹۱۶	۴۱	۱۱	جمعیت (میلیون نفر)
۱۹۵	۹۶	۱۰۸	۳۰۰	تراکم جمعیت (جمعیت در کیلومتر مربع)
۲/۴	۱/۸	۲/۷	۳/۱	نرخ رشد جمعیت (درصد)
۰/۷۹	۰/۷۸	۰/۹۲	-۰/۹۲	نرخ وابستگی سنی
۳/۹	۲/۳	۵/۲	۵/۷	نرخ رشد جمعیت شهری (درصد)
۲	-۶	۲/۲	۱/۵	نرخ رشد جمعیت روستائی (درصد)

مأخذ: IBRD, Social and Economic Indicators; Taiwan Statistical Data Book (1989).

در هنگام شروع استراتژی رشد برون‌گرا در آن دو کشور است. با توجه به جدول (۲)، مرگ و میر پایین‌تر و امید به زندگی بالاتر در کشور ویتنام نسبت به ۱۵ تا ۲۰ سال پیش در تایلند و چین یا ۲۵ تا ۳۰ سال پیش در تایوان قابل مشاهده است.

مصرف کالری در ویتنام (۲۲۳۳ کالری روزانه سرانه) از سطح حداقل، چندان بالاتر نیست، اما نسبت به تایوان و تایلند در آن هنگام چندان پایین‌تر قرار ندارد. نهایتاً برحسب نرخ ثبت‌نام در مدرسه و باسوادی جمعیت بزرگسال، ویتنام نسبت به بربها هنگامی که خیز اقتصادی خود را آغاز نمودند همسطح یا حتی پیشرفته‌تر از آنهاست.

است و با مساحت ۳۳۲ هزار کیلومتر مربع از لحاظ وسعت شصتمین کشور دنیا بوده و از نظر جمعیت یکی از پرتراکم‌ترین کشورهای جهان محسوب می‌شود. از این لحاظ ویتنام با تراکم جمعیتی مابین تایوان و تایلند، تفاوت چندانی با این دو کشور ندارد. (ر.ک: جدول ۱). نرخ رشد جمعیت ویتنام بسیار بالاست، اما از نرخ رشد جمعیت تایوان و تایلند، هنگام شروع استراتژی رشد برون‌گرا در این دو کشور بالاتر نیست. مع‌هذا نرخ رشد جمعیت مناطق روستایی ویتنام به‌طور قابل ملاحظه‌ای بالاتر از تایوان و چین در آن هنگام است.^(۱)

سطح بهداشت و تعلیم و تربیت جمعیت ویتنام در حد قابل قیاس با تایوان و تایلند

۱. جدیدترین تخمینها از رشد جمعیت مناطق روستائی تایلند و چین به ترتیب ۰/۱- و ۶- درصد است.

جدول (۲) - شاخصهای بهداشت و تعلیم و تربیت

ویتنام	چین	تایلند	تایوان	
جدیدترین داده‌ها	۲۰۱۰-۲۰ سال پیش	۲۰۱۰-۲۰ سال پیش	۲۰۱۰-۲۰ سال پیش	
۴۲	۴۶	۵۵	-	نرخ مرگ و میر کودکان
۶۷	۶۵	۶۰	۶۳	امید به زندگی
۲۲۳۳	۲۰۷۰	۲۲۸۵	۲۳۹۰	کالری سرانه
				نرخ ثبت نام: (الف)
۱۰۲	۱۳۵	۸۳	۹۷	ابتدائی
۴۲	۴۷	۲۶	۳۰	متوسطه
-	-	۱۲	۳	عالی
۱۶	۲۷	۷	۳۰	نرخ بی سواد (ب)

(الف) - درصد بچه‌هایی که در سنین مدرسه قرار دارند.

(ب) - درصد جمعیت بالای ۱۵ سال.

مأخذ: همان مأخذ جدول (۱).

(ب) - منابع طبیعی^(۱)

اندونزی سبب افزایش درآمد آن گردد. بنابراین ویتنام نیز همانند سایر بیرها باید به شیوه سنتی (یعنی تلاش خودجوش) به غنی کردن خود پردازد.

منابع کشاورزی ویتنام نیز نسبت به جمعیت آن ناچیز است. همان‌طور که در جدول (۳) پیداست سهم زمین‌های که زیرکشت محصولات کشاورزی قرار دارند (۲۱ درصد) معادل سهم مذکور در تایوان است و کمتر از نصف سهم مذکور آن هنگام در تایلند و چین می‌باشد. تراکم جمعیت در مناطق کشاورزی ویتنام سه برابر تراکم

ویتنام غالباً به‌عنوان کشوری غنی از حیث منابع طبیعی، توصیف شده است؛ اما این منابع نسبت به جمعیت این کشور که به آنها وابسته است نسبتاً ناچیز هستند. منابع معدنی ویتنام در مناطق دورافتاده کوهستانی قرار گرفته و استخراج آنها پرهزینه است. این کشور از ذخائر نفتی که میزان آن هنوز مشخص نشده نیز برخوردار است؛ اما بعید به نظر می‌رسد که این ذخائر آن‌قدر کافی باشند تا این کشور از بهره مالکانه آن برخوردار شده یا حتی همانند کشور

۱. این بخش عمدتاً مبتنی بر گزارش عالی و آموزنده رمبو (۱۹۹۱) نوشته شده است.

جدول (۳) - شاخص برخورداری از منابع طبیعی

ویتنام	چین	تایلند	تایوان	
۲۰-۱۰ سال پیش				
جدیدترین داده‌ها				
۳۳۲	۹۵۶۱	۵۱۳	۳۶	مساحت (هزار کیلومتر مربع)
۲۱	۴۴	۴۵	۲۴	نسبت زمینهای کشاورزی به مساحت (درصد)
۹۳۴	۲۱۹	۲۴۰	۶۲۹	تراکم جمعیت کشاورزی (جمعیت در کیلومتر مربع)
۳۰۰۲	۱۹۱۰	۳۰۲۹	۲۴۰۵	بازده برنج (کیلوگرم بر هکتار)
۹۸	۱۳۸۹	۱۴۲	۲۱	جنگلها (هزار کیلومتر مربع)

IBRD, Social and Economic Indicators; FAO, Production Yearbook (1990)

منبع:

داده‌های تایلند و چین مربوط به دوره ۱۹۷۸-۸۱ و داده‌های ویتنام مربوط به سال ۱۹۹۰ است.

جدول (۴) - رشد تولید برنج، بازده زمین زیرکشت در تایوان، تایلند و ویتنام (درصد)

بازده	زمین زیرکشت	تولید	
۲/۶	-۰/۱	۲/۵	تایوان (۱۹۵۲-۷۰)
۰	۱/۷	۱/۷	تایلند (۱۹۷۰-۹۰)
۲/۲	۰/۹	۳/۱	ویتنام (۱۹۷۰-۹۰)

FAO. Yearbook; Taiwan Statistical Data Book (1989).

مأخذ:

تایلند و تایوان در دوران خیز، نیز افزایش یافت؛ هرچند همان‌طور که جدول (۴) نشان می‌دهد، عوامل افزایش محصول، متفاوت بوده‌اند. در ویتنام همانند تایوان، افزایش تولید برنج عمدتاً به دلیل افزایش بازده بوده، در حالی که در تایلند افزایش تولید کلاً مربوط به افزایش زمینهای زیرکشت بوده است. در تایوان با بهبود

تایلند و چین و حتی بیشتر از سه برابر تراکم تایوان در ۲۵ تا ۳۰ سال قبل می‌باشد. هرچند مناطق کشت برنج ویتنام شاداب و سرسبز به نظر می‌رسند، اما خاک آنها چندان حاصلخیز نیست (Rambo 1991, P.4). مع‌هذا، تولید برنج ویتنام در دهه ۱۹۸۰، افزایش قابل ملاحظه‌ای داشته است. تولید برنج در



روشهای آبیاری برای امکان پذیر ساختن کشت چندباره و با افزایش استفاده از کودهای شیمیائی میزان بازدهی افزایش یافت؛ درحالی که در ویتنام افزایش بازده، عمدتاً با کاربرد مقادیر زیاد نیروی کار فیزیکی برای حداکثر بهره برداری از خاک بدست آمده است.

اصلاحات اخیر در بخش کشاورزی که نقش کشاورزی اشتراکی را کاهش داده، زراعت خانوادگی را مجدداً برقرار نموده و قیمت دریافتی برنج را برای زارعان افزایش داده و کشاورزان را تشویق نموده تا تلاشهای زیادی صرف کشت و زرع نمایند (Pingali and Xuan 1992). بدون تردید برای افزایش بیشتر بازدهی، لازم است همانند تایوان شیوه های آبیاری بهبود یافته و کود شیمیائی بیشتری بکار رود. درحقیقت اگر دستمزد واقعی از سطح نزدیک به حداقل معیشت فعلی، افزایش یابد می توان پیش بینی نمود که با فرض ثابت بودن سایر شرایط، تولید برنج کاهش یابد؛ زیرا کارگران به جای خردکردن کلوخه های خاک در فصول خشک برای افزایش حاصلخیزی خاک، به دنبال انجام کار بهتری خواهند رفت. (Rambo 1991. P.4).

شواهد، حاکی از این است که کشاورزی، با توجه به تکنولوژی موجود به حداکثر ظرفیت خود برای تغذیه جمعیت سریعاً فزاینده ویتنام، رسیده است. برای تغذیه جمعیت به میزان حداقل ۲۴۰۰ کالری

سرانه روزانه، حدود ۲۴۰ کیلوگرم برنج برای هر فرد در سال لازم است. همان طور که در جدول (۵) نشان داده شده، تنها یک ناحیه (دلتای رود مکونگ) در سالی پر محصول (۱۹۸۹) مقدار قابل ملاحظه ای اضافه تولید مواد غذایی داشته است. این مازاد همراه با مازاد بسیار کمتر تولید شده در دلتای رود سرخ، برای پوشاندن خلاء بین تولید و مصرف کفایت می کرد و برای نخستین بار پس از دوره ای طولانی مازادی برای صادرات بدست آمد (حدود ۱/۵ میلیون تن در سال ۱۹۸۹). این امر در سال خوب رخ داد. در یک سال بد و در کشاورزی مبتنی بر بارندگی موسمی که سالهای بد اجتناب ناپذیرند، ویتنام فقط می تواند نیازمندیهای داخلی غلات خود را برطرف نماید.

جدول (۵) - تولید سرانه غلات خوراکی: ۱۹۸۹ (معادل برنج. کیلوگرم برحسب نفر)

۲۷۰	کوهستانهای شمالی و سرزمینهای میانی
۳۱۵	دلتای رود سرخ
۲۲۶	ساحل مرکزی سرزمین شمالی
۲۸۳	ساحل مرکزی سرزمین جنوبی
۲۴۰	زمین های مرتفع میانه
۱۳۵	شمال شرقی سرزمین جنوبی (الف)
۶۳۷	دلتای رود مکونگ
۳۳۴	ویتنام

(الف) - شامل شهرهوشی مینه

مأخذ:

GSO(1991).

جدول (۶) - سهم کشاورزی در اشتغال، تولید ناخالص داخلی و صادرات

ویتنام		چین		تایلند		تایوان		
۱۹۹۰	۱۹۸۵	۱۹۹۰	۱۹۸۰	۱۹۸۰	۱۹۷۰	۱۹۷۰	۱۹۶۰	
۷۱/۵	۷۲/۳	-	۷۴	۷۱/۱	۷۷/۸	۳۶/۱	۵۰/۲	اشتغال
۳۲/۵	۳۷/۴	۲۷/۲	۳۷/۱	۲۵/۴	۲۸/۳	۱۸	۳۲/۹	ارزش افزوده
۷۵	-	۷/۲	۲۵/۴	۴۱	۶۷	۸/۶	۱۲	صادرات
								محصولات پردازش شده کشاورزی (۵۵/۷) (۱۲/۸)

مأخذ: Taiwan Statistical Data Book (1989); Vietnam GSO (1991); IBRD, World Table (Computer Files).

(ج) - نقش کشاورزی

عرضه کننده نیروی کار به بخش صنعتی است بلکه به عنوان منبع مهمی برای پس انداز داخلی و ارزش محسوب می شود. کشاورزی برای ایفای نقش تأمین کننده نیروی کار، ارزش و پس انداز داخلی باید خود نیز در فرایند صنعتی شدن متحول شود. باید اقداماتی جهت افزایش بهره‌وری در کشاورزی اتخاذ شود، به نحوی که انتقال نیروی کار از کشاورزی به صنعت موجب کاهش تولیدات کشاورزی نشده و مازاد تولید کشاورزی از بین نرود. علاوه بر آن باید مکانیسم‌هایی برای جذب مازاد تولیدات کشاورزی و تبدیل آن به منابع مالی جهت سرمایه گذاری در صنعت و زیربنای صنعتی ایجاد شود. ضمناً، به منظور به حداکثر رساندن توان درآمد ارزی ناشی از مازاد تولیدات کشاورزی، عموماً ضرورت ایجاد می‌کند تا در ترکیب تولیدات

روشن است که ویتنام نمی‌تواند به کشاورزی برای افزایش قابل ملاحظه درآمد سرانه نظر داشته باشد؛ اما همسایگان موفق آن نیز نه می‌توانستند و نه اینکه چنین کردند. با این وجود کشاورزی، نقش عمده‌ای در ویتنام به عهده دارد و همان‌طور که از جدول (۶) پیداست، اتخاذ استراتژی صنعتی برون‌گرا توسط تایوان، تایلند و چین، نقش مشابهی در اقتصاد آن سه کشور بر عهده داشته است. اهمیت نسبی کشاورزی در تولید ناخالص داخلی، اشتغال و صادرات در ویتنام تا حدودی بالاتر از سایر کشورهای مورد مقایسه در آغاز صنعتی شدنشان، مبتنی بر صادرات است. کشاورزی در فرایند صنعتی شدن نیز نقش مهمی ایفاء می‌کند. کشاورزی نه تنها

جدول (۷) - درآمدهای مالیاتی از مناطق مختلف در ویتنام (۱۹۸۹)

درآمد سرانه (هزار دونگ)	نسبت مالیات به درآمد (درصد)	خالص مالیات انتقالی به دولت مرکزی (میلیارد دونگ)	
۵۱۸	۱۶/۶	۱۷۸/۴	هانوی - هایفونگ
۳۱۵	۷/۳	-۷۴/۸	کوهستانی شمال
۳۹۳	۵/۶	۴/۶	دلتای رود سرخ
۲۲۶	۷/۱	-۸۶/۷	سواحل مرکزی شمالی
۳۷۱	۸/۶	۴۲/۵	سواحل مرکزی جنوبی
۳۴۳	۹/۸	-۳۵/۶	مناطق علیای مرکزی
۱۲۷۸	۱۰	۶۵۵	شهر هوشی مینه و نواحی آن
۵۹۹	۷/۱	۱۳۴/۸	دلتای مکونگ
۵۰۷	۸/۶	۸۲۱/۷	ویتنام

ماخذ:

IBRP (1992, P.65.)

کشاورزی تغییراتی انجام پذیرد. باقی می ماند. درحقیقت خالص انتقال درآمد از مناطق روستائی به دولت مرکزی تقریباً صفر است و دولت مرکزی از لحاظ مالی عمدتاً بر موسسات دولتی و سایر منابع در شهرهای هانوی، هایفونگ و شهر هوشی مینه متکی است.

د- پس انداز و سرمایه گذاری داخلی

بحث قبلی به نکته ای اشاره می کند که شاید مهمترین مانع بر سر راه ویتنام در تقلید از الگوی تایوان باشد. مانع مذکور در واقع ضعف امکانات مالی دولت است که پس انداز داخلی را محدود می کند. همان طور که در جدول (۸) نشان داده شده

کشاورزی تغییراتی انجام پذیرد. در ویتنام که تولیدات کشاورزی، کمی بیشتر از مصرف داخلی است، اضافه تولید ناچیزی برای جذب باقی می ماند. در سال ۱۹۸۹، صادرات برنج که در بالاترین سطح خود قرار داشت فقط ۲/۸ درصد از تولید ناخالص داخلی را به خود اختصاص داد. کمک بخش کشاورزی ویتنام به درآمدهای دولت مرکزی که منبع اصلی برای سرمایه گذاری صنعتی محسوب می شود ناچیز می باشد. همان طور که جدول (۷) نشان می دهد نرخهای مالیاتی در مناطق شهری بسیار بیشتر از مناطق روستائی است. به علاوه بخش اعظم از مالیاتهای که از مناطق روستائی وصول می شود، در آنجا

است، نرخ سرمایه‌گذاری در ویتنام کمتر از نصف نرخ مربوط به کشورهای همسایه آن در هنگام پذیرش استراتژی رشد مبتنی بر صادرات است. آنچه ویتنام را متمایز می‌سازد عمدتاً در عدم توانایی این کشور در جذب پس‌انداز خارجی نیست، هرچند که این خود مشکلی دیگر است که ناشی از تجزیه سیاسی و ازهم‌پاشیدگی اقتصادی حامی سابق ویتنام، یعنی اتحاد شوروی و تحریم اقتصادی ایالات متحده امریکاست، بلکه آنچه مهمتر است نرخ نسبتاً پائین پس‌انداز داخلی است که طبق جدول (۸) عمدتاً به دلیل ناتوانی بخش دولتی در پس‌انداز است.

دو برابر شدن نرخ پس‌انداز بخش خصوصی، بین سالهای ۱۹۸۸ تا ۱۹۹۰ در ویتنام متأسفانه یک روند نیست، بلکه عکس‌العملی موردی توسط خانوارهاست، به برنامه موفقیت‌آمیز ثبات بخشی در سال ۱۹۸۹، که تورم را از رقم سالانه ۴۰۰ درصد در سال ۱۹۸۸ به ۳۵ درصد در سال ۱۹۸۹ رساند و باعث معکوس شدن روند تبدیل پس‌اندازهای بانکی به سایر اشکال دارایی که در سال ۱۹۸۸ رخ داده بود (یعنی هنگامی که نرخهای بهره واقعی تقریباً به منهای ۳۰ درصد در ماه سقوط کرد) گردید. با این حال تجربه کشورهای همسایه ویتنام حاکی از آن است که نرخ پس‌انداز خصوصی افزایش و به‌همراه رشد اقتصادی افزایش قابل ملاحظه‌ای می‌یابد. خواه

به دلایل احتیاطی، خواه طبق یک انگیزه قوی موروثی، مردم شرق آسیا اشتیاق شدیدی برای انباشت ثروت دارند به طوری که یک سیکل دائمی مطلوب؛ رشد بیشتر، پس‌انداز و سرمایه‌گذاری بیشتر و مجدداً به همین منوال رشد بیشتر را پدید می‌آورد (Collins, 1991). دلیلی وجود ندارد که نسبت به برخورداری ویتنامی‌ها از چنین انگیزشی تردید داشته باشیم؛ زیرا اساساً از همان فرهنگ مشابه برخوردار هستند و اگر درآمد واقعی مردم آن افزایش یابد بخشی از آن را پس‌انداز خواهند کرد. در حقیقت بررسی بودجه خانوار در ۱۹۸۹ روش ساخت که در میان زارعین غنی‌تر با درآمدی مابین ۱۰۰ الی ۱۵۰ دلار، نرخ پس‌انداز کاملاً بالاتر از ۲۰ درصد بود. (Fforde and devylder, 1992, B.V.118.)

تأثیر عمده نرخهای واقعی بهره بر نرخ پس‌انداز، موضوعی مورد مناقشه است؛ اما کاملاً روشن است که بر هدایت پس‌اندازها به نظام مالی جهت استفاده از آن در سرمایه‌گذاریهای مولد یا -به‌جای آن- تبدیل آن به طلا و دیگر داراییهای ملموس، تأثیر قوی دارد. هم در تایوان و هم در تایلند نرخهای واقعی بهره برای چندین دهه در حد ۵ تا ۱۰ درصد حفظ شده‌اند و نه تنها نرخهای رشد پس‌انداز صعودی بوده بلکه همان‌طور که جدول (۹) نشان می‌دهد این کشورها تکامل مالی بسیار سریعی را تجربه کرده‌اند. از نظر توسعه مالی، ویتنام هنوز

جدول (۸) - پس انداز و سرمایه گذاری داخلی به صورت درصدی از GDP

سال	پس انداز		سرمایه گذاری	کشور
	عمومی	خصوصی		
۱۹۷۰	۲۹	۲۹	۲۹	چین
۱۹۸۰	۳۲	۳۲	۳۲	۱
۱۹۹۰	۳۸	۳۸	۳۹	۱
۱۹۷۰	۲۱	۲۱	۲۶	تایلند
۱۹۸۰	۲۰	۲۰	۲۶	۵
۱۹۹۰	۳۴	۳۴	۳۷	۶
۱۹۶۰	۸	۱۰	۲۰	تایوان
۱۹۷۰	۸	۱۸	۲۶	۲
۱۹۸۸	۱۳	۲۲	۲۳	۰
۱۹۸۸	-۳	۵	۱۲	-۱۲
۱۹۸۹	۰	۷	۱۴	۱۰
۱۹۹۰	-۲	۱۰	۱۲	۷
				۴

IBRD, World Tables; IBRD (1992,P.24); Taiwan Statistical Data book (1989) مأخذ:

به ترتیب به میزان ۱۹ و ۱۶ درصد تولید ناخالص داخلی - که چندان پائین تر از تایوان در سال ۱۹۶۰ (۲۵ و ۱۷ درصد) یا تایلند در سال ۱۹۷۰ (۲۵ و ۱۶ درصد) نیست - به حد کافی واضح و آشکار نیست. سهم صنعت و بخش تولید کالاهای صنعتی چین در سال ۱۹۸۰ به ترتیب ۴۵ و ۳۳ درصد با توجه به سی سال تأسی از مدل توسعه استالینیستی که در آن، بخش صنعت از

به پای تایوان در سی سال پیش یا تایلند در بیست سال پیش نرسیده است.

ه- پایه صنعتی

مانع بالقوه دیگر برای ویتنام پایه صنعتی نسبتاً کوچک آن است. اما این واقعیت در آمار و ارقام ارائه شده در حسابهای ملی ویتنام که نشان دهنده سهم صنعت و بخش تولید کالاهای صنعتی

جدول (۹) - تکامل مالی: نسبت حجم پول و شبه پول به تولید ناخالص ملی (درصد)

ویتنام			چین			تایلند			تایوان		
۱۹۹۰	۱۹۸۹	۱۹۸۸	۱۹۹۰	۱۹۸۵	۱۹۸۰	۱۹۹۰	۱۹۸۰	۱۹۷۰	۱۹۹۰	۱۹۷۰	۱۹۶۰
۱۸	۲۰	۱۰	۸۴	۵۳	۳۹	۷۰	۳۸	۲۸	۱۴۳	۳۵	۲۴

مأخذ: IMF, International Financial Statistics Yearbook (1991); IBRD (1992),

Taiwan Statistical Data Book (1990).

برای تقلید از الگوی تایوان بحساب می‌آید؟ بسیاری از قرار معلوم به این موضوع معتقدند؛ زیرا اغلب ادعا می‌شود که شالوده‌های موفقیت تایوان (و کشورهای همسایه) در صنعتی شدن از طریق توسعه صادرات در دوره قبلی جایگزینی واردات پایه‌گذاری شده است؛ برای مثال براین اساس است که گاهی اوقات ادعا می‌شود که مدل تایوان برای کشورهای افریقائی مناسب نیست و با اتکاء به همین استدلال ممکن است ادعا شود که برای ویتنام نیز مناسب نیست. طبق این منطق، ویتنام قبل از انتقال به استراتژی صنعتی شدن مبتنی بر توسعه صادرات باید تحت استراتژی جایگزینی واردات، پیشرفت بیشتری بنماید.

مع‌هذا اهمیت دوره جایگزینی واردات به‌عنوان پیش شرط برای صنعتی شدن مبتنی بر توسعه صادرات، جای بحث دارد. متأسفانه مشکل است این فرضیه را بدون رجوع به تحلیلهای مبتنی بر امور واقع تأیید یا رد نمود؛ زیرا جانشینی واردات در همه‌جا - به‌استثاء هنگ‌کنگ - قبل از

بیشترین اولویت برخوردار بود به‌نحو چشمگیری بالاتر از سایر کشورهاست.

باید عنایت داشت که سهمهای تولید ناخالص داخلی به‌دلیل تفاوت شدید در درآمدهای سرانه و اختلالهای قابل ملاحظه در قیمت‌های نسبی، شاخص گمراه‌کننده‌ای از اندازه صنعت است. شاخص مناسبتر برای اندازه نسبی پایه صنعتی، تولید سرانه محصولات تولیدکنندگان عمده صنعتی است که منتخبی از آن در جدول (۱۰) آمده است. همان‌طور که در جدول مذکور آمده است تایوان در سال ۱۹۶۰ و چین در سال ۱۹۸۰ به‌طور سرانه بیست تا سی برابر بیشتر از ویتنام فولاد و ماشین‌ابزار، ده تا بیست برابر موتورهای الکتریکی و پنکه و درحقیقت چندین برابر بیشتر از هریک از کالاهای صنعتی اساسی ویتنام، تولید داشته‌اند. مختصراً، توسعه خوداتکاء در ویتنام در طول بیست سال گذشته، هنوز پایه‌ای صنعتی نزدیک به آنچه که در طول دوره توسعه صنعتی درونگرا در تایوان و چین بوجود آمد را ایجاد نکرده است.

آیا این امر، مانع جدی در توان ویتنام

جدول (۱۰) - تولید سرانه برخی کالاهای ساخته شده صنعتی

چین	تایوان	ویتنام	
۱۹۸۰	۱۹۹۰	۱۹۹۰	
۳۷/۸	۲۸/۳	۱/۵	فولاد (کیلوگرم)
۱۳۶/۶	۲۱۰/۸	۱۱/۱	ماشین ابزار (۰/۰۰۰۱ واحد)
۱۲۵/۶	۳۴/۴	۴/۹	کود شیمیائی (کیلوگرم)
م.ن.	۱/۵	-/۱	موتورهای الکتریکی (۰/۰۰۱ واحد)
۷/۴	۱۸/۵	۲/۸	پنکه برقی (۰/۰۰۱ واحد)
م.ن.	۷/۵	۱/۲	کاغذ (کیلوگرم)
۷/۶	۱۶	۴/۷	پارچه پنبه‌ای (متر)

Vietnam GSO (P.20); Taiwan Statistical Data Book (1989), China:

مأخذ:

Country Economic Memorandum (1989).

یافته است. نرخ رشدی که فقط در مقایسه با رشد تولید صنعتی بخش خصوصی در تایوان که در طول همان دوره، دو برابر سریعتر بوده است، کم بنظر می‌رسد. تولید صنعتی کاربر که با انتقال به استراتژی صنعتی شدن مبتنی بر توسعه صادرات در تایوان، تایلند و چین شروع شده از نظر نیروی کار، مدیران، سرمایه، دانش فنی، یا حتی نهاده‌های واسطه‌ای چندان بر صنایع موجود متکی نبوده است. دانش فنی، نهاده‌های مادی، و اندکی هم سرمایه، در خارج بیش از داخل فراهم بود. به‌علاوه بخش اعظم کسانی که در بخش تولید کاربر به کار اشتغال یافتند (بیشتر زنان) در هر سه کشور مذکور عمدتاً از مناطق روستائی جذب شدند، نه از نیروی کار موجود صنعتی. کسانی نیز که فعالیت‌های

صنعتی شدن مبتنی بر توسعه صادرات بوده است. مع‌هذا شواهد حاکی از آن است که تولید صنعتی کاربر مبتنی بر توسعه صادرات در تایوان، تایلند و چین تا حد زیادی مستقل از پایه‌های صنعتی شکل گرفته در گذشته توسعه یافته است. تولید صنعتی کاربر مبتنی بر توسعه صادرات نه جانشین صنایع تأسیس شده قبلی شد و نه بر مبنای آن بنا گردید.

صنایع سنگین سرمایه‌بر که با استفاده از سوبسیدهای کلان و حمایت‌های شدید بوجود آمده بود در تایلند، تایوان و چین فقط به‌طور نسبی افول کرده است. در تایوان تولید واقعی محصولات صنعتی در بخش دولتی که در بخش‌های سرمایه‌بر و سنگین متمرکز شده به‌طور یکنواخت با نرخ ۸ درصد در سال طی سی سال گذشته رشد

صنعتی در مقیاسی کوچک را - که در هنگ کنگ و تایوان بخش اعظمی از تولید محصولات صنعتی را بخود اختصاص می دهند - شروع کردند اغلب هیچ تجربه مدیریتی یا کارفرمائی قبلی نداشتند (Riedel 1974; and Kuo, 1983).

برون گراترین ایالت چین با سریعترین نرخ رشد و میزان صنعتی شدن، ایالت گوانگ دونگ است که در سال ۱۹۸۰ یکی از عقب افتاده ترین ایالات از نظر صنعتی و وابسته ترین، از لحاظ کشاورزی بود. چگونه این ایالت با جمعیتی برابر ۶۵ میلیون نفر که کاملاً شبیه ویتنام است توانست نرخ رشد صنعتی بی سابقه ۲۵ درصد در سال را از اواسط دهه ۱۹۸۰ به نمایش بگذارد؟ جواب به طور خلاصه این است: با ترکیب کردن نیروی کار کم دستمزد روستائی با سرمایه، نهاده های واسطه ای و دانش فنی مدیریتی که عمدتاً از هنگ کنگ و تایوان وارد می گردید (Vogel, 1989).

گسترش شگفت انگیز صادرات محصولات صنعتی در تایلند نیز از سال ۱۹۸۵ عمدتاً به همین منوال بوده است. عامل این گسترش، سرمایه گذاری مستقیم خارجی از سوی هنگ کنگ و تایوان بوده است. در یک بررسی جدید از شرکتهای هنگ کنگی و تایوانی که در تایلند و چین فعالیت می کنند، ۷۸ درصد گزارش کرده اند که بخش اعظمی از تولید خود را صادر می کنند، ۸۹ درصد اظهار کرده اند که بخش

اعظمی از مواد خام و اجزاء مورد استفاده در فعالیتهایشان را وارد می کنند و غالباً از پیمانکاران محلی کمتر استفاده کرده اند (IBRD, 1989). به طور اختصار باید گفت که تولید محصولات صنعتی برای صادرات در تایوان، تایلند و چین فعالیتی بسیار آزاد است. ارتباطات پسین (Backward Linkages) با شالوده صنعتی موجود از قبل ضعیف است که می تواند دلیل عمده رقابت پذیری بالای این فعالیتها در بازارهای جهانی باشد (Riedel 1976).

اغلب میان فرایند انتقال به اقتصاد بازار در اروپای شرقی و روسیه و همین فرایند در کشورهای سوسیالیستی آسیا، مقایساتی صورت گرفته و مکرراً اظهار می شود که این امر در شرق آسیا به دلیل تعداد کم صنایع غیرکارا که باید از بین بروند کم هزینه تر و آسانتر است. اما این تفاوت اصلی نیست؛ زیرا در چین هنوز صنایع شدیداً غیرکارای زیادی وجود دارند که همان طور که در گذشته عمل شد با برخورداری از سطح بالای حمایت و سوبسیدهای سنگینی که از مالیات بر کشاورزی و امور معادن اخذ می شود فعال نگه داشته شده اند. بلکه آنچه اقتصادهای سوسیالیستی در آسیا را از این اقتصادها در اروپا متمایز می گرداند نیروی کار عظیم روستائی اقتصادهای سوسیالیستی آسیاست که با کوچکترین اشاره ای حاضر و مایل اند در صنایع صادراتی با دستمزدی تنها کمی بیشتر از سطح حداقل معیشت، به ویتنام در مسیر حرکت ببرها ۸۵

کار اشتغال ورزند. این فراوانی منابع انسانی است که به کشورهای آسیای شرقی اجازه می‌دهد صنایع پویای صادراتی را در کنار صنایع سرمایه‌بر غیرکارای غالباً دولتی - که در مرحله صنعتی شدن مبتنی بر خوداتکائی گذشته ایجاد شده‌اند - برپا کنند. اروپای شرقی و روسیه که فاقد این منابع انسانی در مقیاس آسیای شرقی هستند از این نعمت برخوردار نبوده و به جای آن باید قبل از آنکه بتوانند صنایع جدید را برپا دارند صنایع قدیمی را تعطیل کنند. ویتنام فاقد صنایع غیرکاراست یا از صنایع غیرکارای بسیار کمی برخوردار است که بخواهد آنها را تعطیل نموده یا از طریق سوبسید آنها را مورد حمایت قرار دهد. اما این امر نیز عاملی سونوشت ساز نیست، بلکه وفور منابع نیروی انسانی ویتنام است که شالوده خوشبختی آینده این کشور محسوب می‌شود.

۳- چارچوب خط مشی

الف - بیرها چه کردند؟

برای پیاده کردن مدل تایوان در ویتنام چه سیاست‌هایی لازم است؟ با مشاهده آنچه تایوان و متعاقباً تایلند و چین برای افزایش شدید صادرات کالاهای صنعتی کاربر خود انجام دادند و سبب رشد اقتصادی بی سابقه

آنها شد می‌توان به سرنخ‌هایی برای پاسخ به این سؤال دست یافت. البته در مورد این موضع تحقیقات زیادی به عمل آمده اما درباره آنچه این کشورها انجام داده یا تا چه حد اقداماتشان مؤثر بوده، اتفاق نظر وجود ندارد. عمده بحث، پیرامون نقش محدودیتهای تجاری و سیاستهای صنعتی در این کشورها دور می‌زند. از نظر برخی ناظران موفقیت این کشورها به همین تدابیر مربوط می‌شود (Wade, 1990). در حالی که از نظر دیگر ناظران این تدابیر تأثیری در موفقیت این کشورها نداشته‌اند (Little 1979). متأسفانه بسیاری از محققین و طالبان آشنائی با بیره‌های آسیای شرقی هنگام تأمل درباره نقش سیاست تجاری و صنعتی آنها عملکرد نسبی آنها را در رابطه با وظایف بنیادین تر دولت در اقتصاد بازار نادیده گرفته‌اند؛ وظایفی که در درجه اول و به طور اولی عرضه کالاهای عمومی و حفظ ثبات اقتصاد کلان است.

دلیلش این است که تایوان و دنباله‌روان آن در حیطه وظایف بنیادین دولت، نسبتاً به خوبی عمل کرده‌اند. تایوان در دهه ۱۹۶۰، از نظر نیروگاه و شبکه حمل و نقل و ارتباطات فقط تا حدود کمی دچار نارسائی بود (Little 1979, P.448). دولت تایوان میزان نیاز برای اقدامات زیربنائی را دست کم گرفت؛ اما صرفاً بدین جهت بود که آن دولت (وما بقی جهان) نتوانست میزان شتاب رشد را که از جایگزینی صنعتی شدن

برونگرا به جای صنعتی شدن درونگرا ناشی می‌شد پیش‌بینی کند.^(۱) با درک این امر، دولت تایوان هرچند با وقفه؛ اقدام به برآوردن نیاز فزاینده زیربنای اجتماعی و اقتصادی نمود. در تایلند نیز دولت سابقه خوبی در تأمین ساختارهای اساسی دارد؛ بخصوص در گسترش شبکه حمل و نقل که گفته می‌شود انگیزه دولت نظامی تایلند جهت انجام آن بیشتر جنبه استراتژیکی داشته تا دلایل اقتصادی (Christensen et al., 1992. P.38). به هر تقدیر نتیجه، این شد که شبکه راهها نهایتاً تأثیر اقتصادی عمده و مثبتی در رشد بخش کشاورزی داشت.

همان‌طور که جدول (۱۱) نشان می‌دهد تایوان و دنباله‌روان آن در ایجاد ثبات اقتصاد کلان سابقه بسیار درخشانی دارند. این امر به این معناست که کشورها در محیطی بی‌ثبات نمی‌توانند رشد کنند و آمریکای لاتین خود گواه این مطلب است که در این شرایط، رشد پایدار نخواهد بود؛ زیرا علل و نتایج بی‌ثباتی نهایتاً کشور را به دور باطلی گرفتار می‌سازند که تنها راه فرار از آن یک بحران اقتصادی است. عامل بی‌ثباتی غالباً کسری درآمد دولت است که تأمین آن نیازمند ایجاد پول اضافی و یا

ایجاد بدهیهای خارجی فوق‌العاده زیاد است. نرخهای تورم بی‌ثبات و بالا معمولاً به افزایش ارزش واقعی برابری پول و نرخهای بهره واقعی منفی منجر شده که نتایج آن افول رقابت‌پذیری بین‌المللی و تبدیل پس‌اندازهای بانکی به سایر اشکال دارائیهاست که به نوبه خود عدم تعادل مالی دولت را بدتر نموده و کشور را به مرز بحران می‌کشاند.

بیرهای شرق آسیا تا حد زیادی از این نوع سوءمدیریت اقتصاد کلان در قالب اعمال سیاستهای توقف-حرکت پرهیز کردند و بدین لحاظ دولت‌هایشان سزاوار تقدیر فراوان می‌باشند. در تایوان و تایلند همانند بسیاری از کشورهای دیگر، برای نرخها بهره اسمی، سقفی تعیین شد، اما با پائین نگه‌داشتن تورم، این کشورها توانستند نرخهای مثبت واقعی بهره سپرده را حفظ کنند و این امر باعث شده، تا هم توان مالی آنها بیشتر شود و هم نرخ سپرده‌های بخش خصوصی افزایش یابد. به علاوه همان‌طور که شکل (۲ الف)، (۲ ب) و (۲ ج) نشان می‌دهد کاهش مثبت شده نرخ اسمی ارز در زمان روی آوردن این کشورها به استراتژی توسعه صادرات منجر به کاهش نرخ واقعی ارز شد و با پائین نگه‌داشتن

۱. ذکر این نکته جالب است که (Chenery and Strout 1961) و (Rosensteis - Rodan 1960) در دهه ۱۹۶۰ نرخ رشد بالاتری برای هند و پاکستان پیش‌بینی کردند تا برای کشورهای کوچک وابسته به تجارت در آسیای شرق نظیر تایوان، کره و یا هنگ‌کنگ.

جدول (۱۱) - مقایسه نرخهای تورم

	۱۹۸۰-۱۹۹۰	۱۹۸۰-۱۹۹۵	
تایوان	-۰/۵	۷/۱	
تایلند	۳/۴	۶/۲	
چین	۵/۸	-۰/۳	
تمامی کشورهای			
در حال توسعه	۶۱/۸	۱۶/۷	

مأخذ:

IBRD, World Development Report (1992);
Industry of Free China, lxxvii (March 1992).

تورم، کاهش نرخ واقعی ارز تداوم و حتی شدت یافت.

به غیر از تأمین عرضه کافی از کالاهای دولتی و حفظ ثبات اقتصاد کلان، تایوان و دنباله‌روان آن برای رونق بخشیدن به صادرات کالاهای صنعتی خود چه کار دیگری انجام دادند؟ نخست و مهمتر از همه، آنچه آنها انجام دادند بر طرف کردن موانع صادراتی بود که به طور قاطع بخشی از نظام قبلی جایگزینی واردات بود. لذا آنچه که عموماً به عنوان "توسعه صادرات" مورد اشاره قرار می‌گیرد بیشتر موضوع از قید و بند آزاد کردن است تا خود توسعه. از جمله اقداماتی که در رابطه با همگامی صادرات انجام پذیرفت معافیت از مالیات به طور غیرمستقیم یا تخفیف یا بازپرداخت حق گمرکی کالاهای وارداتی در صورت صدور مجدد آنها، تأمین مالی صادرکنندگان با نرخهای اغلب ترجیحی و فراهم ساختن

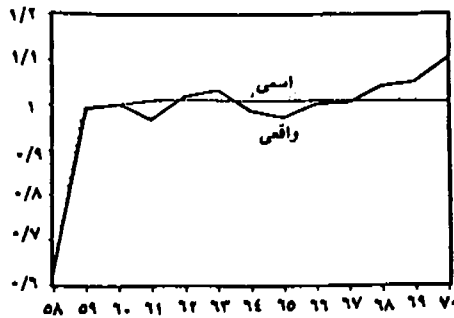
تسهلات زیربنایی و اساسی برای امر تجارت، شامل: ترخیص گمرکی به موقع و با هزینه کم، تسهیلات حمل و نقل دریائی و جابه‌جائی بندری و حمایت در امر بازاریابی جهت صدور کالا، بوده است. (Bhattacharga and Linn 1988, P.78).

یک‌راه میان‌بر متداول برای تحقق این تدابیر، تأسیس مناطق آزاد تجاری و انبارهای گمرکی مربوط به تولیدکنندگان صنعتی بوده است؛ هرچند شواهد، حکایت از آن دارد که مناطق آزاد تجاری و انبارهای گمرکی مذکور تنها هنگامی موفقیت‌آمیز بوده‌اند که بخشی از استراتژی کلی‌تر آزادسازی واردات و توسعه صادرات باشند (مانند مورد تایوان) و نه به عنوان جایگزینی برای آن استراتژی (مانند مورد هند).

صرف‌نظر از آزاد ساختن صادرات، هر سه کشور سیاستهای صنعتی نسبتاً فعالی را دنبال می‌کردند که از آن جمله می‌توان به سوبسیدهای زیاد و حمایت شدید از صنایع سرمایه‌بر و دیگر خط‌مشی‌هایی که بیشتر جنبه توجه به عموم را داشت نه ارضاء اهداف بی‌مفهوم ناسیونالیسم اقتصادی، اشاره کرد. چنین سیاستهایی به ضعیف‌پروری معروف‌اند که حمایت‌خواهی و رانت‌جوئی را تغذیه کرده و با عملکرد ضعیف رشد اقتصادی در بسیاری دیگر از کشورهای در حال توسعه مرتبط هستند. چرا در کشورهای بربهای آسیائی چنین نشد؟ فرضیه‌ای که در اینجا

شکل (۲-الف) - شاخص نرخ ارز

اسمی و واقعی: تایوان (دلار جدید تایوان برحسب دلار آمریکا) (افزایش، نشان‌دهنده کاهش ارزش پول است)



Taiwan Statistical Data Book (1992) and US Economic Report of the President.

مأخذ:

شکل (۲-ب) - شاخص نرخ ارز اسمی و واقعی:

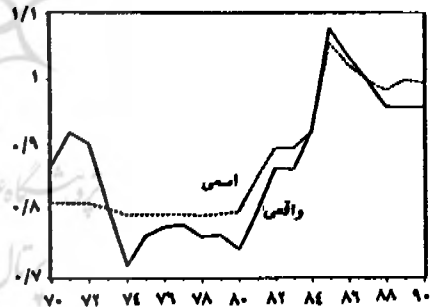
تایلند (بات برحسب دلار ۱۹۸۷-۱)

(افزایش، نشان‌دهنده کاهش ارزش پول است)

شکل (۲-ج) - شاخص نرخ ارز اسمی و واقعی:

چین (یوان برحسب دلار ۱۹۸۷-۱)

(افزایش، نشان‌دهنده کاهش ارزش پول است)



توجه: نرخ واقعی ارز با تعدیل نرخ ارز اسمی با استفاده از شاخص تورم‌زدانی تولید ناخالص داخلی بدست آمده است.

مأخذ:

IBRD, World Tables (Computer Files).

توجه: نرخ واقعی ارز با تعدیل نرخ ارز اسمی با استفاده از شاخص تورم‌زدانی تولید ناخالصی ملی در آمریکا و تایلند بدست آمده است.

مأخذ:

IBRD, World Tables (Computer Files).

ارائه می‌شود و مسلماً بررسی بیشتری را می‌طلبد این است که صنایع کاربر سریعاً در حال رشد در این کشورها، از اثرات ضد رشد رانت جوئی و عدم کارائی که قسمتهای حمایت شده از بخش صنعت را با بی‌قیدوبندی خود، آلوده می‌نماید محفوظ نگهداشته شدند و عمدتاً^۱ برای نیروی کار بر مناطق روستائی و برای مواد اولیه و ماشین‌آلات صنعتی، بر واردات متکی شدند.

(ب) - ویتنام چه کرده است^(۱)

برای شروع و راه‌اندازی استراتژی صنعتی شدن مبتنی بر توسعه صادرات چه کارهایی باید انجام گیرد؟ تجربه تایوان و دیگر کشورها حاکی از دو چیز است: اول دولت باید در انجام وظایف بنیادین عرضه کالاهای عمومی اساسی و حفظ ثبات اقتصاد کلان، تلاش معقولانه‌ای نماید، دوم موانع صادراتی که در دوران درونگرایی برپا شده بود باید برطرف گردد. مورد دوم؛ مهمتر از همه، شامل: برقراری و حفظ نرخ ارز واقع‌بینانه و ایجاد شرایط برای دسترسی آزادانه‌تر صادرکنندگان به نهاده‌های واسطه‌ای و کالاهای سرمایه‌ای وارداتی

است. اگر این امر انجام پذیرد به‌خوبی می‌توان انتظار داشت ویتنام نیز همان موفقیتی را از صنعتی شدن مبتنی بر توسعه صادرات بدست آورد که سایر کشورهای منطقه از آن برخوردار شدند؛ البته به شرط آنکه ویتنام همانند همان کشورها به بازارهای جهانی دسترسی داشته باشد (موضوعی که در بخش بعدی مورد بحث قرار خواهد گرفت).

برحسب انجام وظایف بنیادین، باید به این نتیجه رسید که هرچند ویتنام شروع خوبی داشته است، اما هنوز باید تلاش بسیاری نماید. تا زمانی که بخش دولتی تجدید ساختار اساسی به‌خود نبیند، این کشور نه‌قدر است ساختارهای زیربنائی مورد لزوم را بوجود آورد و نه می‌تواند وضعیت اقتصاد کلان باثباتی را حفظ نماید.

مشکل همان‌طور که در جدول (۱۲) مشخص شده، تفاوت فاحش میان درآمدها و مخارج دولت است. در ویتنام تنها دو راه برای تأمین مالی کسری بودجه وجود دارد که یا استقراض از خارج است و یا از بانک دولتی. تا اواخر دهه ۱۹۸۰، بودجه، عمدتاً^۱ با استقراض از اتحاد شوروی (سابق) متعادل می‌گردید، اما هنگامی که این

۱. این بخش عمدتاً بر مقاله عالی "دیوید دلار" نوشته شده است.

جدول (۱۲-) بودجه یک کاسه شده دولت

۱۹۹۰	۱۹۸۹	۱۹۸۸	۱۹۸۷	۱۹۸۶	
۱۱/۴	۱۱/۹	۱۰/۴	۱۲/۲	۱۳/۲	(۱) درآمد
۱۲/۴	۱۲/۳	۱۳/۶	۱۲/۷	۱۳/۴	(۲) مخارج جاری
-۱	-۰/۴	-۳/۲	-۰/۵	-۰/۲	(۳) پس انداز دولتی (۱)-(۲)
۳/۹	۶/۴	۳/۸	۳/۹	۵/۶	(۴) مخارج سرمایه‌ای
-۴/۸	-۶/۸	-۷	-۴/۴	-۵/۸	(۵) کسری کلی (۴)-(۳)
۱/۳	۱/۵	۲/۳	۱/۴	۲/۲	(۶) وامها و هدایای خارجی
۳/۴	۵/۲	۲/۹	۲/۹	۳/۶	(۷) اعتبارات از بانک دولتی
۴۴/۱	۱۵۹/۴	۳۹۴/۹			(۸) رشد اعتبار داخلی (درصد)
۶۷/۵	۳۴/۷	۳۹۳/۸			(۹) نرخ تورم (درصد)

مأخذ:

Dollar (1991).

متأسفانه ضعف در امور مالی دولت همچنان باقی است و مجدداً تورم را افزایش داده که در سالهای ۱۹۹۰ و ۱۹۹۱ به نرخ ۶۸ درصد در سال رسیده است. کاهش شدید نرخ تورم در سال ۱۹۸۹ بیشتر مربوط به آزادسازی قیمتها بود، تا محدودیت مالی. درحقیقت در سال ۱۹۸۹ اعتبار داخلی ۱۵۹ درصد افزایش یافت، اما به دلیل رفع کنترل قیمتها، افزایش نرخ بهره واقعی و کاهش نرخ واقعی ارز، سرمایه‌ها را برای یکبار از طلا، برنج و سایر دارائیهای مادی منحرف، و به پول داخلی متوجه ساخت. سایر اقدامات آزادسازی، -بخصوص اقداماتی که مؤسسات دولتی را تحت فشار قرار داده و وضعیت مالی آنها را تضعیف کردند- موجب بدتر شدن تراز بودجه دولت شدند؛ زیرا مالیاتهای

سرچشمه شروع به خشک شدن کرد، دولت مجبور شد به بانک دولتی روی آورد که با بی‌رغبتی، اعتبار مورد لزوم دولت را تأمین می‌کرد. در سال ۱۹۸۸ لازم گردید تا ۳۹۵ درصد افزایش، در اعتبار داخلی صورت گیرد که نتیجه آن نرخ تورم ۳۹۴ درصدی در آن سال بود. در سال ۱۹۸۹ با کاهش سریع کمکهای اتحاد شوروی (سابق)، ویتنام برنامه ثبات‌آور قاطعی را به مرحله اجرا گذاشت که علاوه بر محدود کردن مخارج دولتی و رشد اعتبارات، شامل حذف بسیاری از کنترل‌های قیمتی داخلی، افزایش نرخهای بهره و کاهش برابری پول خود بود. برنامه بیش از آنچه انتظار می‌رفت به موفقیت رسید و تورم به نرخ سالانه حدود ۳۵ درصد در سال ۱۹۸۹ کاهش یافت.

مؤسسات دولتی، منبع اصلی درآمد دولت مرکزی هستند. مع هذا کاهش درآمد مربوط به مؤسسات دولتی با افزایش درآمد نفت جبران شده است، که این امر فقط موجب به تأخیر افتادن مشکل می شود. استفاده از ذخایر محدود نفتی برای تأمین مالی مصارف دولتی، عملی ضد پس انداز است و ویتنام را فقیرتر خواهد کرد نه غنی تر.

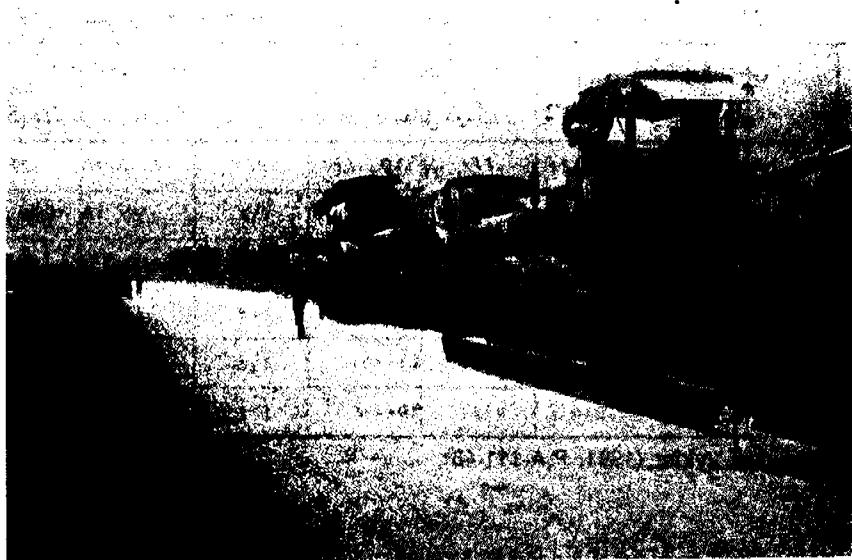
ضعف موقعیت مالی دولت نیز توانائی آن را به سرمایه گذاری در زیربناهای اقتصادی که به طرز "اسفناک ناکافی" توصیف شده اند محدود می کند (Dollar, 1991, P.12). متوازن ساختن بودجه برای رسیدن به ثبات اقتصادی، باید در اولویت انجام گیرد، اما برای افزایش قابل ملاحظه منابع واقعی جهت سرمایه گذاری در امور زیربنائی دولتی، تجدید ساختار بسیار اساسی تر بخش دولتی لازم خواهد بود. تا زمانی که درآمدها تا حد زیادی افزایش نیابند - که چنین افزایش در کوتاه مدت بعید به نظر می رسد - دولت مجبور خواهد بود از فعالیتهائی که بهتر است به بازار سپرده شود تا منابع لازم برای انجام وظایف اساسی تر آزاد شود، دست بکشد. در این راه، گامهائی برداشته شده اما هنوز راه زیادی در پیش است.

در این بین در صورتی که موانع اصلی برطرف گردند صنعتی شدن مبتنی بر توسعه صادرات می تواند ادامه یابد. همان طور که در جدول (۱۳) نشان داده شده است،

ارزش گذاری بیش از حد بر پول ملی (یعنی "دونگ") که با نسبت نرخ رسمی به نرخ بازار سیاه یا بازار موازی، اندازه گیری شده تا حدود زیادی از بین رفته است. به علاوه از سال ۱۹۸۹ اصلاح عمده ای در نظام تجاری انجام گرفته که به مؤسسات، آزادی بیشتر جهت تجارت مستقیم با خارجیان داده، تعداد اقلام وارداتی مشمول سهمیه را به شدت کاهش داده، کدهای تعرفه ای را به منظور گسترش دامنه پوشش آنها مورد تجدید نظر قرار داده و با مؤسسات خصوصی، طبق همان مقرراتی عمل می کند که بر روابط تجاری مؤسسات دولتی حاکم است. این اصلاحات در سال ۱۹۸۹ با ۱۱۸ درصد افزایش در صادرات با کشورهای دارای پول قابل تبدیل همراه بوده است. مع هذا شواهدی در دست است که نشان می دهد اصلاحات به خوبی انجام نشده است. هنوز در محدوده تجارت بین المللی و سرمایه گذاری بین المللی فساد و بروکراسی به وضوح قابل مشاهده است. بنابراین ضمن اینکه قدمهائی خوب اولیه برداشته شده اما هنوز موانع جدی بر سر راه صنعتی شدن مبتنی بر توسعه صادرات باقی مانده است.

۴- شرایط خارجی

اگر ویتنام آنچه را که برای شروع استراتژی صنعتی شدن مبتنی بر توسعه صادرات لازم است، انجام دهد آیا به



جدول (۱۳) - نرخ ارز رسمی و نرخ ارز در بازار موازی

سال	نرخ رسمی یک دلار در مقابل دونگ	نرخ موازی یک دلار در مقابل دونگ	نسبت نرخ رسمی به نرخ موازی
۱۹۸۵	۱۸	۱۱۵	۰/۱۵
۱۹۸۶	۱۸	۴۲۵	۰/۰۴
۱۹۸۷	۲۲۵	۱۲۷۰	۰/۱۸
۱۹۸۸	۹۰۰	۵۰۰۰	۰/۱۸
۱۹۸۹	۳۹۰۰	۴۱۰۰	۰/۹۵
۱۹۹۰	۶۳۰۰	۶۵۰۰	۰/۹۶

مأخذ:

Fforde and Vylder (1991, P,A-111-48).

دلیلی وجود ندارد فرض کنیم ویتنام بیش از سایر کشورها دچار محدودیت تقاضای خارجی شود؛ مگر احتمالاً در منسوجات و پوشاک، که توان بالقوه صادراتی آن به سرعت با سهمی از بازار که در چارچوب موافقتنامه الیاف چندگانه به آن اختصاص داده شده است محدود می‌گردد.

از آنجا که احتمال می‌رود، ویتنام مزایای رقابتی قوی بدست آورده و سرمایه‌های خارجی قابل ملاحظه‌ای را در بخش منسوجات و پوشاک جذب کند، مفید است بررسی کنیم چگونه موافقتنامه الیاف چندگانه در مورد ویتنام اعمال خواهد شد. هدف موافقتنامه الیاف چندگانه، "جلوگیری از آشفته‌گی بازار" است. البته

بازارهای جهانی دسترسی خواهد داشت؟ از مدتها پیش ویتنام به شدت توسط تحریمی به رهبری امریکا تحت محدودیت قرار داشته است، اما انتظار می‌رود بزودی این تحریم لغو شود. پس از آنکه تحریم کاملاً برطرف شود، موانع تجاری که ویتنام با آن روبه‌رو خواهد بود تفاوت قابل ملاحظه‌ای از آنچه سایر کشورهای منطقه با آن مواجه‌اند نخواهد داشت.^(۱) صرف نظر از منسوجات و البسه، صادرات کالاهای صنعتی ببرهای آسیا با محدودیت چندانی روبه‌رو نیستند. در نتیجه این کشورها توانسته‌اند نرخهای رشد صادرات قابل توجهی را حتی در دوره رشد کند اقتصاد جهانی، بدست آورند (جدول ۱۴).

۱. تعلق گرفتن شرط دولت کامله‌الوداد به ویتنام که عضوگات نیست کاملاً یک مسأله سیاسی است. به چین، آلبانی و سایر کشورهای غیر عضو، توسط امریکا و سایر کشورها شرط دولت کامله‌الوداد موقتی، اعطاء شده است. اگر به ویتنام بنابه دلایلی شرط دولت کامله‌الوداد اعطاء نشود تا تعرفه‌های به مراتب بالاتری نسبت به سایر کشورها رو به رو خواهد بود که در حدود تعرفه‌های اسموت - هاوولی سال ۱۹۳۲ خواهد بود.

جدول (۱۴) - ارزش صادرات (۱۹۹۰) و نرخهای رشد سالانه (۱۹۸۰-۹۰)

رشد کالائی		رشد کالاهای صنعتی		رشد منسوجات		رشد پوشاک	
میلیارد دلار	درصد	میلیارد دلار	درصد	میلیارد دلار	درصد	میلیارد دلار	درصد
۱۹۹۰	۱۹۸۰-۹۰	۱۹۹۰	۱۹۸۰-۹۰	۱۹۹۰	۱۹۸۰-۹۰	۱۹۹۰	۱۹۸۰-۹۰
۸۲/۲	۱۵	۷۵/۶	۱۶	۸/۲	۱۷	۹/۳	۷/۱
۶۷/۲	۱۳	۶۲/۲	۱۴	۶/۳	۱۳	۴/۲	۵/۵
۶۰/۹	۱۳	۴۴/۳	۱۸	۷/۲	۱۱	۹/۷	۱۹/۵
۲۳/۱	۱۳	۱۴/۶	۲۵	۱/۱	۱۳	۳/۳	۲۸/۷
۳۴۲۸	۵/۵	۲۴۴۵	۷	۱۱۱	۷/۱	۱۱۳	۱۰/۷

GATT, International Trade: 90-91.

مأخذ:

صادرات آن کشور است که احتمال محدود شدن صادرات آن تحت موافقتنامه الیاف چندگانه را تعیین می‌کند.^(۱) در نتیجه، فروشندگان کوچک که صادراتشان به سرعت رشد کرده باشد - هرچند از میزان کمی شروع شده باشد - هدفهای عمده محدودیت در سالهای اخیر بوده‌اند. تنها استثناء از این امر چنین است که به دلیل نفوذ زیاد در امور جهانی قادر بوده است امتیازهای نسبتاً سخاوتمندانه‌ای تحت موافقتنامه الیاف چندگانه بدست آورد. کشورهای کوچک و فاقد قدرت (نظیر بنگلادش) با وجود اینکه تهدید قابل توجهی را متوجه صنایع داخلی ایالات متحده

"جلوگیری از آشفته‌گی بازار" نوعی حسن تعبیر برای پوشاندن هدف واقعی موافقتنامه می‌باشد که همانا جلوگیری از وارد آمدن خسارت به تولیدکنندگان منسوجات در ایالات متحده امریکا و اروپای غربی است. چون در حال حاضر صادرات منسوجات و پوشاک ویتنام قابل توجه نیست، تهدید تجاری برای هیچ کشوری بشمار نمی‌رود. اما این واقعیت در نحوه اعمال موافقتنامه الیاف چندگانه در مورد ویتنام - چنانچه قرار باشد اعمال شود - چندان مطرح نیست. در سالهای اخیر توانائی یک کشور برای ایجاد آشفته‌گی، با سهم بازارش در ایالات متحده تعیین نمی‌شود، بلکه نرخ رشد

۱. Dean (۱۹۹۲) از یک مدل پروبیت دو متغیره (bivariate Probit) برای آزمون این فرض که آشفته‌گی بازار به وسیله صادرکننده، احتمال محدود شدن آن کشور طبق موافقتنامه الیاف چندگانه را تعیین می‌کند استفاده کرده است. او دریافته است که این فرضیه هنگامی مصداق دارد که به طور منتخب تحت موافقتنامه اول، در مورد کشورهای کمتر توسعه یافته بکار رود. اما برای موافقتنامه‌های بعدی که در آن نرخهای رشد صادرات به عنوان عامل تعیین‌کننده عمده احتمال مورد محدودیت قرار گرفتن، متجلی شود، مصداق نخواهد داشت.

امریکا یا اروپای غربی نکرده‌اند اما به شدت تحت محدودیتهای موافقتنامه‌الیاف چندگانه قرار داشته‌اند. (Spinonger, 1987).

اهمیت محدودیت خارجی در مورد صادرات کشورهای در حال توسعه بسادگی مورد اغراق قرار می‌گیرد. بعد از جنگ دوم جهانی بدبینی در مورد میزان تقاضا برای صادرات، در بسیاری از کشورهای در حال توسعه به یک پیشگویی ارضاء‌کننده تبدیل گردید و علی‌رغم شواهد خلاف آن، عده‌ای هستند که هنوز معتقدند گسترش صادرات کشورهای کمتر توسعه یافته، بلافاصله با محدودیت روبه‌رو خواهد شد [Faini, et. al., 1992]^(۱). مع‌هذا، همان‌طور که در جدول (۱۴) آشکار است حتی صادرات منسوجات و پوشاک که تحت موافقتنامه‌الیاف چندگانه محدود شده، می‌تواند با سرعت گسترش یابد، همان‌طور که در تایلند و چین در دهه ۱۹۸۰ اتفاق

داخلی، صادرات پوشاک خود را افزایش داد (Hill and Suphachalasi, 1992).

به‌علاوه لازم به یادآوری است که صادرات کالاهای صنعتی ساخته شده بجز منسوجات و پوشاک که ۷۵ درصد یا بیشتر از کل صادرات تایوان، تایلند و چین را تشکیل می‌دهد حتی سریعتر از صادرات منسوجات و پوشاک رشد کرده است. آیا می‌توان تقاضای خارجی را برای کشوری که حجم صادرات خود را هر چهار سال یکبار دوبرابر می‌کند، همان‌طور که هریک از بیرها در دهه ۱۹۸۰ کردند، محدودیتی جدی تلقی نمود؟ اگر پاسخ منفی باشد در این صورت باید نتیجه گرفت که به احتمال زیاد جدیدترین موانع بر سر راه موفقیت ویتنام، داخلی است، نه خارجی.

۵- نتیجه‌گیری

(۱) - آیا ویتنام می‌تواند دنباله‌رو بیرها باشد؟ آری، زیرا هیچ شق دیگری وجود ندارد. ویتنام تا آن حد از منابع طبیعی برخوردار نیست که در اقتصاد جهانی به کشوری برخوردار از بهره مالکانه تبدیل شود و هیچ کشوری تاکنون درآمد سرانه‌ای بیشتر از هزار دلار آن هم تنها با اتکاء به کشاورزی بدست نیاورده است. ویتنام باید

افتاد. چین با افزایش سخاوتمندانه در سهمیه‌هایی که تحت موافقتنامه‌الیاف چندگانه به آن اختصاص داده شده بود این کار را انجام داد، درحالی که تایلند با متوجه ساختن صادرات خود به کشورهای که عضو موافقتنامه مذکور نبودند (خاورمیانه و ژاپن) و با بهبود کیفیت محصول برای افزایش ارزش افزوده

۱. برای استدلال مخالف نگاه کنید به: (1992) Martin, (1988) Riedel, (1991) Authorkorala and Riedel

صنعتی شود و راهی که ثابت شده است کاراترین راه ممکن برای انجام این امر می‌باشد متخصص شدن در تولید کالاهای صنعتی کاربر برای صادرات است.

(۲) - آیا در ویتنام پیش شرطهای لازم برای موفقیت در صنعتی شدن مبتنی بر توسعه صادرات وجود دارد؟ مهمترین عنصر، منابع انسانی است و ویتنام به حد کافی از آن برخوردار است. ویتنام پایه‌های صنعتی بیرهای پشتاز را ندارد، اما این امر اهمیت چندانی ندارد، زیرا صنعتی شدن مبتنی بر توسعه صادرات فعالیتی کاملا آزادانه و بدون وابستگی چندان، به پایه‌های صنعتی است.

(۳) - آیا ویتنام سیاستهای لازم برای موفق ساختن استراتژی رشد مبتنی بر توسعه صادرات را پذیرفته است؟ قدمهای نخست برداشته شده اما راه زیادی در پیش است. سیاستهای لازم عبارت‌اند از: (۱) انجام وظایف اساسی دولت شامل: عرضه کالاهای عمومی و حفظ ثبات اقتصادی کلان و (۲) حذف موانع صادراتی با تعیین نرخ ارز واقع‌بینانه و تأمین شرایط برای دسترس آزادانه صادرکنندگان به مواد اولیه و ماشین‌آلات وارداتی. وضعیت نامساعد مالی دولت ویتنام به شدت توانائی تحقق شرط اول را محدود می‌کند. ویتنام تغییرات گسترده‌ای را در نظام تجاری خود اعلام کرده است اما فساد و بوروکراسی شدیدی

هنوز به عنوان موانع در سر راه توسعه صادرات وجود دارند.

(۴) - آیا شرایط خارجی برای موفقیت مساعد است؟ به مجرد اینکه تحریم آمریکا برطرف گردد، موانع بر سر راه ویتنام مشابه همان موانعی خواهد بود که کشورهای دیگر منطقه با آن روبه‌رو بوده‌اند، اما علی‌رغم وجود آن موانع به خوبی عمل کردند. احتمالاً موافقتنامه ایفای چندگانه، ویتنام را بیش از سایر کشورهای منطقه تهدید خواهد کرد، زیرا این نظام در مقابل تازه‌واردان که میزان اولیه صادرات آنها ناچیز، اما نرخ رشد صادرات آنها بالا می‌باشد. به نحو فزاینده‌ای خشن است. مع‌هذا به ویتنام میدان عملی برای گسترش صادرات منسوجات و پوشاک، تحت موافقتنامه ایفای چندگانه داده خواهد شد. علاوه بر آن، راههائی جهت دورزدن موافقتنامه ایفای چندگانه نیز وجود دارد. همان‌طور که تایلند با تغییر جهت صادرات به کشورهای غیرعضو موافقتنامه و با بهبود کیفیت محصول برای افزایش ارزش افزوده داخلی برحسب هر واحد صادر شده چنین چیزی را ثابت نموده است. همچنین باید خاطر نشان ساخت که طبق توافق دور اروگوئه قرار است طی چند مرحله، موافقتنامه ایفای چندگانه، به تدریج حذف شود.

- Anderson, K. and Y. Park (1989), "China and the International Relocation of World Textile and Clothing Activity," *Weltwirtschaftliches Archiv* 125, 129-148.
- Authorkorala, P. and J. Rieder (1991), "The Small Country Assumption: A Reassessment with Evidence from Korea," *Weltwirtschaftliches Archiv* 125, 138-151.
- Barnett, A. (1986), "The Years After Mao," *Foreign Affairs*, 65, 37-65.
- Bhattacharya, A. and J. F. Linn (1988). @Trade and Industrial Policies in Developing Countries of Fast Asia," *The World Bank Discussion Papers*, No.27.
- Chan, T.M.H. (1988), "The Development and Prospects of the Zhuffang Deha Open Zone," Friedtieg Ebert Foundation, China Economic Papers Series.
- Chenery, H. and A. Strout (1966), "Foreign Assistance and Economic Development," *American Economic Review*, 56, 679-733.
- Cheng, T.-J., and S. Haggard (eds.) (1992), *Political Change in Taiwan* (Boulder: Lynne Rienner Publishers).
- Christensen, S.R., D. Dollar, A. Siamwalla na P. Vichyanond (1992), "Institutional and Political Bases of Growth-Inducing Policies in Thailand," unpublished, Mimeo.
- Collins, S. (1991), "Savings Behaviour in Ten Developing Countries," in B.D. Bernheim and J. Shoven (eds.), *National Savings and Economic Performance* (Chicago: University of Chicago Press), 349-373.
- Dean, J. M. (1990), "The Effects of the US MFA on Small Exporters," *Review of Economics and Statistics*, 72, 63-69.
- Dean, J. M. (1992), "Market Disruption and the Incidence of Voluntary Export Restraints under the Multifibre Arrangement," unpublished mimeo, Johns Hopkins University-SAIS.
- Dollar, D. (1991), "Vietnam: Success and Failures of Macroeconomic Stabilization," in B. Ljunggren and P. Timmer (eds), *The Challenge of Reform In Indochina*, forthcoming.
- Faini, R., R. Clavijo and A. Sehadji-Semlani (1990), "The Fallacy of Composition Argument: Is It Relevant for LDCs Manufactures Exports?" *European Economic Review* 36, 865-82.

- Fforde, A. and S. de Vylder (1991), "The Socialist Republic of Vietnam," unpublished mimeo. GATT (1992), *International Trade: 90-91*, H.
- Hill, H. and S. Suphachalasai (1992), "The Myth of Export Pessimism (even) under the MFA: Kvidence from Indonesia and Thailand," *Weltwirtschaftliches Archiv* 128,
- IBRD (1989), "Foreign Direct Investment from the Newly Industrialized Economies," Industry and Energy Department Working Paper, No. 22 (December).
- IBRD (1990a), "Free Trade Zones in Export Strategies," Industry and Energy Department Working Paper, No. 36 (December).
- IBRD (1990b), "Vietnam: Stabilization and Structural Reform: An Economic Report," Report No. 8249-VN.
- IBRD (1992), "Vietnam: Restructuring Public Finance and Public Enterprises: An Economic Report," Report No. 10134-VN.
- Kuo, S. W. Y. (1983), *The Taiwan Economy in Transition* (Boulder: Westview Press).
- Little, I. M. D. (1989), "An Economic Reconnaissance," in W. Galenson (ed.), *Economic Growth and Structural Change in Taiwan* (Ithica: Cornell University Press), 448-508.

